

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی اجماع در مقابل اصل و قاعده اولی

عرض کردیم که آیات و روایات، در مقابل «اصالة البرائة» و «قاعده حلیت جميع ما فی الارض» دلالتی نداشت. بحث در این بود که آیا اجماع در مقابل آنها داریم یا نداریم؟ نکات اساسی علمی و اجتهادی اجماع را عرض کردیم، که نکات مهمی هم بود.

اشکال مرحوم شیخ(ره) بر اجماع

مرحوم شیخ(ره)، در اجماع از نظر کبروی مناقشه نکردند بلکه از نظر صغروی مناقشه کرده‌اند و می‌فرمایند اصلاً نسبت به مانحن فیه (عدم جواز انتفاع به متنجس) چنین اجماعی نداریم. نه اینکه اجماع هست و اشکال کبروی کنیم که بگوییم اجماع منقول است و اجماع منقول اعتباری ندارد. در مورد عبارت سید(ره) در انتصار، مرحوم شیخ فرمودند آنجا که مورد اجماع است «نجاسة ما باشره اهل الكتاب» است، یعنی اگر اهل کتاب، با یک طعامی مباشرت داشته باشند، آن طعام هم نجس می‌شود، اما چنین اجماعی بر این که بگوییم انتفاع به متنجس حرام است را در کلام سید(ره) در انتصار ندیدیم.

نقد استاد بر توجیه شیخ(ره)

عرض کردیم که این کلام شیخ(ره) کلام درستی نیست؛ برای اینکه سید(ره) می‌فرماید «مما انفردت به الامامیه ان کل طعام عاجله اهل الكتاب و من ثبت کفرهم بدلیل قاطع» □ «مما انفردت به الامامیه» این است که «لا يجوز اكله و لا الانتفاع به»، معلوم می‌شود که «حرمة الانتفاع» در معقد اجماع داخل است. نه این که از معقد اجماع خارج باشد.

فرمایش مرحوم شیخ طوسی(ره)

عبارت دوم؛ عبارت شیخ طوسی(ره) در کتاب خلاف است، که فرموده‌اند اگر در روغن زیتونی موش بیفتد «جاز الاستصباح به» استصباح با این روغن جایز است «و لا يجوز اكله و لا الانتفاع به»، اکل و انتفاع به آن جایز نیست، «بغیر الاستصباح» اما استصباح جایز است، انتفاع به غیر استصباح جایز نیست، «و به قال الشافعی»، - میدانید که فقه شافعی به فقه شیعه نزدیکتر از سایر مذاهب است - «و قال قوم من اصحاب الحديث لا ينتفع به بحال» قومی از اصحاب حدیث گفته‌اند اصلاً از آن انتفاع

برده نمی‌شود «لا بالاستصباح و لا بغیره، بل یراق» باید دور ریخته شود، «کالخر» □ «و قال ابو حنیفه یستصبح به و یباع و قال داود» - داود که یکی از علمای اهل سنت است، سنی هم دارد که یکی از کتاب‌های حدیثی اهل سنت، سنن ابی داود است. گفته است که - «ان کان المایع سمناً لم ینتفع بحال» اگر مایع سمن باشد که يك روغن خاصی است، «لم ینتفع به بحال و ان کان ما عداه من الادهان» اگر زیت یا روغن دیگری باشد «لم ینجس بموت الفأرة فیه و یحل أکله و شربه» به موت فأرة نجس نمی‌شود ابی‌داود گفته حتی در روغن مایع - که به يك نوع روغن مایع «سمن» می‌گویند، به يك نوع آن «زیت» می‌گویند، چند اسم و چند نوع است - گفته آنچه که در روایت وارد شده این است که اگر موش داخل در «سمن» بیافتد از آن استفاده نکنید، اما دیگر زیت را ذکر نکرده است.

پس شیخ طوسی(ره) ابتدا قول خودش را بیان کرد و فرمود «جاز الاستصباح و لا یجوز أکله و لا انتفاع به» اگر موش در روغن زیتون افتاد استصباح جایز است، اما أکل یا انتفاع به (غیر استصباح) جایز نیست. بعد شیخ(ره) پس از نقل اقوال مخالفین فرموده «دلینا اجماع الفرقه و اخبارهم» دلیل ما اجماع فرقه و روایاتی است که وارد شده است.

توجیه فرمایش شیخ طوسی(ره) توسط شیخ انصاری(ره)

مرحوم شیخ(ره) در مکاسب يك عبارتی دارند و در آخر هم می‌فرمایند «فافهم و اغتنم» . فرموده‌اند «الظاهر ان معقده ما وقع الخلاف فیه بینه و بین من ذکر من المخالفین» معقد اجماعی که شیخ(ره) ادعا کرده آن چیزی است که مورد خلاف بین شیخ و مخالفین بوده، «اذ فرق بین دعوی اجماع علی محل النزاع بعد تحریره و بین دعواه ابتداءً علی الاحکام المذكورة فی عنوان المسأله» شیخ انصاری(ره) می‌فرمایند ما دو جور ادعای اجماع داریم؛ يك ادعای اجماع این است که مصنف ابتدا نزاع را تحریر می‌کنند و بعد از تحریر نزاع، بر مدعای خودش ادعای اجماع می‌کنند. نوع دوم این است که از اول ادعای اجماع يك سری از احکام می‌کند. «فان الثانی یشمل الاحکام کلها و الاول لا یشمل الا الحكم الواقع مورد الخلاف» می‌فرماید اگر ادعای اجماع از نوع دوم باشد، تمام احکام را شامل می‌شود. یعنی اگر شیخ طوسی(ره) فرموده بود: اجماع داریم بر عدم جواز اکل زیت نجس، و بر عدم جواز انتفاع به زیت نجس، ما می‌گفتیم شیخ طوسی(ره) ادعای اجماع کرده بود.

اما شیخ(ره) اینطوری نگفته، شیخ دعوای اجماع را بعد از تحریر محل نزاع ذکر کرده است، یعنی ابتدا قول خودش را بیان کرده، بعد گفته شافعی هم قول ما را دارد، قول اصحاب حدیث را گفته، قول ابو حنیفه و قول ابی داود را هم نقل کرده، بعد گفته: «دلینا اجماع الفرقه». این که بعد از تحریر محل نزاع ادعای اجماع می‌کند این دلالت بر این دارد که معقد اجماع همانی است که محل نزاع بین شیخ(ره) و غیر شیخ بوده است. اصحاب حدیث یا داود می‌گفتند اگر موش در يك نوع روغن بنام سمن بیفتد نجس می‌شود و اگر در زیت بیفتد نجس نمی‌شود.

گفته دلیلتان چیست؟ گفته دلیل ما این است که در روایت فقط در مورد «سمن» آمده است و در زیت نیامده است. پس معلوم می‌شود محل نزاع بین ابی داود و شیخ(ره) در این است که در چه روغنی اگر موش بیفتد نجس می‌شود و در چه روغنی نجس نمی‌شود؟ «اجماع الفرقه» دلیل است بر اینکه موش در هر نوع روغن مایعی بیفتد نجس می‌شود. پس اینجا چون ادعای اجماع بعد از تحریر محل نزاع است، فقط معقد اجماع همان مورد خلاف بین شیخ و غیرشیخ است، اما معقد اجماع دیگر آن «حرمة الانتفاع بالنجس» نیست. عرض کردم این را شیخ انصاری(ره) فرموده و در آخر هم فرموده «فافهم و اغتنم» .

اشکال محقق ایروانی(ره) بر شیخ انصاری(ره)

مرحوم محقق ایروانی(ره) در حاشیه مکاسب، جلد اول صفحه 66، به مرحوم شیخ انصاری اشکال کرده و فرموده است که ظاهرش این است که شیخ طوسی با ابی داود در حرمت الانتفاع مخالفت دارند. ابی داود میگوید اگر موش در زیت بیفتد انتفاع جایز است ولی شیخ(ره) میگوید انتفاع جایز نیست. ظاهر عبارت این است که بین شیخ طوسی و بین ابی داود در خود انتفاع به این زیت اختلاف وجود دارد، لذا مرحوم ایروانی(ره) میگوید ما حرف شیخ انصاری(ره) را قبول نداریم و این اجماعی که شیخ طوسی(ره) کرده است معقدش همین محل نزاع ما نحن فیه است. که ما نحن فیه مسأله اصل حرمت انتفاع به متنجس است.

نقد محقق خوئی(ره) و استاد بر مرحوم شیخ(ره)

محقق خوئی(ره) در کتاب مصباح الفقاهة، صفحه 223 میفرمایند ما کبرای کلام شیخ(ره) را قبول داریم، یعنی بین دعوی اجماع اولاً و دعوی اجماع ثانیاً فرق است، اما میفرمایند در خصوص کلام شیخ طوسی(ره) ما کلام شیخ انصاری(ره) را قبول نداریم. کلام شیخ طوسی(ره) که در آخر میگوید «**دلینا اجماع الفرقة**»، میخورد به صدر مسأله که گفت «**جاز الاستصباح و لا يجوز الاكل و لا الانتفاع به**»، و حق هم با ایشان است. ایشان هم شاید به تبع مرحوم ایروانی این را فرموده باشند، که واقع مسأله این است که شیخ طوسی(ره) فتوایشان را داده‌اند «**جاز الاستصباح و لا يجوز الاكل و لا الانتفاع به**» بعد اقوال مخالفین را ذکر کرده‌اند و سپس دلیل می‌آورند بر همان فتوایی که در اول مسأله داده‌اند.

بنابر این در مانحن فیه شیخ طوسی(ره) هم ادعای اجماع کرده است. فرمایش مرحوم ابن زهره(ره) مرحوم سید بن زهره(ره) هم در کتاب غنیه يك عبارتی دارد، - عرض کردم شیخ انصاری(ره) در اینجا مجموعاً سه عبارت مهم را آورده و تلاش شیخ این است که اثبات کند به حسب صغروی اجماعی در کار نیست - ابن زهره(ره) فرموده «**و شرطنا فی المنفعة ان تكون مباحة تحفظاً من المنافع المحرمة**» فرموده منفعت باید منفعت مباح باشد و محرم نباشد، «**و یدخل فی ذلك كل نجس لا يمكن تطهيره**» هر نجسی که تطهیرش امکان ندارد داخل در آن می‌شود. - که «**ذلك**» هم از الفاظی است که محل بحث است که اینجا مشارالیه آن چیست؟ که عرض می‌کنیم - «**عدا ما استثنی من بيع الكلب المعلم للصید و الزيت النجس للاستصباح به تحت السماء و هو اجماع الطائفة**» یعنی زیت نجس فقط برای استصباح، آن هم تحت السماء استثناء شده است و این اجماع طایفه است.

مراد ابن زهره(ره) از ادعای اجماع

آیا از کلام سید ابن زهره(ره) استفاده می‌شود که اجماع طایفه بر این است که هر نجسی که تطهیرش امکان ندارد آیا بیعش جایز نیست؟ آیا حرمة الانتفاع دارد؟ بعبارۀ اُخری این «**و هو اجماع الطائفة**» به چه بر می‌گردد؟ سه احتمال در این عبارت سید(ره) وجود دارد. **احتمال اول** این است که «**هو**» برای اصل استثناء است، یعنی ایشان گفت «**و یدخل فی ذلك كل نجس لا يمكن تطهيره**» بعد استثناء کرده، حال بگوئیم «**و هو**» یعنی این استثناء به دلیل اجماع است.

احتمال دوم این است که «**و هو**» برای اصل آن فتواست که گفته «**و شرطنا فی المنفعة ان تكون مباحة**». **احتمال سوم** این است که اجماع به آن عبارت «**و یدخل فی ذلك**» بر گردد، یعنی ابن زهره(ره) فرمود «**و یدخل فی ذلك كل نجس لا يمكن تطهيره و هو اجماع الطائفة**» یعنی اجماع طایفه بر این است که اگر يك نجسی قابل تطهیر نیست این بر گردد به اینکه بگوئیم این هم جزء آن مبیع‌های است که منفعت محله ندارد.

نظر مرحوم شیخ(ره) در مراد ابن زهره(ره) از ادعای اجماع

خود مرحوم شیخ انصاری در کتاب مکاسب فرمودند «و اما اجماع السید فی الغنیه فهو فی اصل مسألة تحريم بيع النجاسات» در اصل این است که بیع نجاسات حرام است «لا فیما ذکره من ان حرمة بيع المتنجس من حيث دخوله فی ما یحرم الانتفاع به» - دقت بفرمایید اینجا چقدر عبارات دقیق است که هر کدام مسیر فتوا را چقدر عوض می‌کند - سید ابن زهره(ره) اول این قانون را ذکر کرد که مبیعی که می‌خواهیم بفروشیم باید منفعت حلال داشته باشد، بعد گفت «و یدخل فی ذلك کل نجس لا یمکن تطهیره» که هر شیء نجسی که تطهیرش ممکن نیست، این هم داخل در آن مبیعی است که منفعت محله ندارد.

حالا اجماع به چه بر می‌گردد؟ آیا اجماع به این برمی‌گردد که نجسی که لا یمکن تطهیره، داخل می‌شود در «ما لا یمکن الانتفاع به منفعة المحللة»، اگر به این برگردد آنوقت اجماع سید بن زهره درست می‌شود، یعنی می‌گوییم اجماع داریم که هیچ متنجسی «لا یمکن الانتفاع به» و مدعا ثابت می‌شود. اما شیخ انصاری(ره) می‌فرمایند آنچه که از عبارت سید(ره) استفاده می‌شود این است که معقد اجماع، «تحريم بيع النجاسات» است، همین؛ اما نه از باب اینکه «لا یمکن الانتفاع به»، نه از باب اینکه هر نجسی قطعاً داخل در «ما لا ینتفع به و ما لا یمکن الانتفاع به» است. این کلامی است که شیخ انصاری(ره) فرموده است.

بعد فرموده «و بالجمله فلا ینکر ظهور کلام السید فی حرمة الانتفاع بالنجس الذاتی و العرضی»، در اینکه کلام سید(ره) ظهور دارد در اینکه انتفاع به نجس ذاتی و عرضی حرام است، ما انکار نمی‌کنیم، «لکن دعوی الاجماع علی ذلك بعیدة عن مدلول کلامه جداً» ادعای اجماعی که بخواهیم برای این مورد بیاوریم این از مدلول کلام مرحوم سید در کتاب غنیه بعید است.

نقد استاد بر فرمایش شیخ(ره)

ببینید این هم از مرحوم شیخ انصاری تعجب است. مرحوم سید(ره) گفته معامله مبیعی که «لا یمکن الانتفاع به» باطل است، بعد می‌گوید هر نجسی داخل در «لا یمکن الانتفاع به» است، روشن است از مصادیق او واقع می‌شود. یعنی قهراً می‌خواهد ادعا کند که اگر چیزی نجس شد حرمت الانتفاع دارد اجماعاً لذا این اجماع در اینجا بخوبی از کلام سید(ره) استفاده می‌شود.

نظر استاد در اجماعات

به نظر ما این مواردی که خواندیم و مرحوم شیخ بیان کردند، از نظر صغروی مشکلی ندارد، لکن عمده اشکال این است که اینگونه اجماعات؛ مثل اجماع سید(ره) در انتصار، و ابن زهره(ره) در غنیة و اجماع شیخ طوسی(ره) - مخصوصاً این اجماعات شیخ طوسی - غالباً اجماع بر این است که یک مدرک مهمی یا یک اصل مهمی یا یک روایت معتبری داریم، و اجماعات اصطلاحی نیست تا کاشف از قول معصوم(ع) باشد.

نتیجه نهایی بحث

بنابر این نتیجه بحث در این چند روز این شد «در مقابل اصل اولی (اصالة البرائة) و قاعده حلیت، نه آیه، نه روایت و نه اجماعی ما نداریم».

و صلى الله على سيدنا محمد و آله أجمعين.